

راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی ایران^۱

(این مقاله از طرح پژوهشی صندوق حمایت از پژوهشگران نهاد ریاست جمهوری استخراج شده است)

محمد جوادی پور^۲

سمیه رهبری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۷

هدف از پژوهش حاضر، بررسی راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی ایران بود. پژوهش حاضر از نظر هدف در شمار پژوهش های کاربردی و از منظر ماهیت داده های پژوهشی، جزو تحقیقات طرح آمیخته اکتشافی بود. در بخش کیفی پژوهش، ۱۶ نفر از مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب و به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شدند. داده ها از طریق مصاحبه گردآوری شدند و به روش استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱) کدگذاری و تجزیه و تحلیل گردیدند. جامعه آماری در بخش کمی، مدیران فدراسیون ورزش های همگانی، روسای کمیته های فدراسیون، روسای انجمن های تحت پوشش فدراسیون و روسای هیات های ورزش همگانی استان ها بودند (۲۰۰ نفر) که نمونه ها به شیوه تصادفی ساده از میان آنها انتخاب گردیدند. پرسشنامه محقق ساخته، ابزار گردآوری داده های پژوهش در این مرحله بود. گویه های این پرسشنامه، از مصاحبه نظامند با مدیران و کارشناسان خبره و پیشینه پژوهش استخراج گردید. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه مورد تایید چند تن از اساتید متخصص قرار گرفت و روایی سازه نیز با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی تأیید شد. پایایی پرسشنامه هم با روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید ($\alpha = 0/83$). تحلیل داده ها در این بخش نیز با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و با آزمون ویلکاکسون انجام گردید. طبق نتایج بخش کیفی تحقیق، راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی شامل راهبرد های سازمانی، فرهنگ سازی، راه

^۱ این مقاله از طرح پژوهشی صندوق حمایت از پژوهشگران نهاد ریاست جمهوری استخراج شده است

^۲ دانشیار، گروه روش ها و برنامه های آموزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Javadipour@ut.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حل های اقتصادی و پژوهش محوری بودند. طبق نتایج بخش کمی، بین وضعیت موجود و مطلوب راه حل ها، راهبرد ها، الگوها و برنامه های توسعه ورزش همگانی تفاوت معناداری مشاهده شد.

واژگان کلیدی: ورزش همگانی، راهبرد، برنامه توسعه ورزش و ایران

مقدمه

مدیریت راهبردی یک سازمان از چرخه ای تشکیل شده است که برنامه ریزی راهبردی، برنامه ریزی عملیاتی، بودجه ریزی، نظارت و ارزیابی عملکرد، اجزای اصلی آن هستند. برنامه ریزی راهبردی، فرآیندی است در جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت بخشیدن به تلاش های آن برای نیل به رسالت و اهداف بلند مدت، با توجه به امکانات و محدودیت های درونی و بیرونی هر سازمان. برنامه ریزی عملیاتی نیز راهبرد های یک سازمان را برای پیاده سازی و اجرا به کار می بندد. بنابراین، هماهنگی کامل میان چهار جزء اصلی فوق برای تحقق یک مدیریت منسجم الزامی است. اگر چه سابقه مبانی نظری مدیریت راهبردی نسبتاً طولانی است، ولی کاربرد آن در سال های اخیر به قدری گسترش یافته است که امروزه تقریباً تمام سازمان های پیشروی دنیا اعم از دولتی و خصوصی از مدیریت راهبردی برای راهبری سازمان خود بهره می گیرند. برنامه ریزی عملیاتی، یکی از اجزای اصلی مدیریت راهبردی است (جوادی پور، ۱۳۹۲: ۲۳). از طرفی، توسعه در ابعاد مختلف در دستور کار تمامی کشورهای دنیا قرار دارد. توسعه یک کشور، مفهومی کلی است که با توسعه در محورهای مختلف معنا می یابد (صادقی، ۱۳۸۴: ۸). ورزش برای همه به معنای یک راهبرد دولتی طراحی شده به منظور افزایش فعالیت جسمانی در میان مردم است؛ سیاستی که بر این اساس دولت باید از انجام تمرینات جسمانی در میان مردم حمایت کند (بریسگارد و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۰۱).

ورزش همگانی به معنی خلق فرصت ها و محیط مطلوب از طریق همکاری تمام سازمان های درگیر (دولتی و غیر دولتی) برای اینکه هر فردی بدون توجه به جنسیت، سن، توانایی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی و نژاد بتواند در فعالیت های جسمانی و ورزشی شرکت نماید، می باشد. تمام این سازمان ها به مسئولیت ملی برای اطمینان از اینکه هر شهروند حق مساوی برای مشارکت در فعالیت های ورزشی و جسمانی دارند، اشاره می کنند. دولت و سازمان های غیر دولتی، نقش مهمی در دستیابی به مشارکت در ورزش و فعالیت های جسمانی

ایفا می نمایند (کمیته ورزش های همگانی^۱، ۲۰۰۹). به طور کلی، ورزش همگانی به فعالیت های ورزشی گوناگون گفته می شود که در بیرون از ورزشگاه های رسمی که دارای مقررات سخت و دست و پا گیر هستند و به دور از چشم تماشاگران متعصب، در کمال آزادی و سادگی برگزار می شود (منسفیلد و پیگین^۲، ۲۰۱۶). این تعاریف نشان می دهد که ورزش همگانی نه فقط مورد توجه بسیاری از اشخاص و سازمان های حرفه ای و بزرگ ورزشی مانند کمیته بین المللی المپیک قرار دارد، بلکه تمام متخصصان تربیت بدنی و علوم ورزشی در داخل و خارج کشور، ورزش همگانی و یا گسترش و همگانی کردن انواع فعالیت های بدنی و ورزشی را وسیله ای ارزشمند برای ارتقای بهداشت جسمانی و روانی آحاد جامعه، توسعه و ترویج فرهنگ ورزش می دانند (تقوی تکیار، ۱۳۸۵). بیشترین انگیزه برای رشد و گسترش ورزش همگانی، پر کردن اوقات فراغت و تامین سلامتی شرکت کنندگان است. اساس ورزش همگانی در آغاز با بازی های سنتی و مورد علاقه مردم شکل گرفت و با نزدیک شدن به اهداف کشورهای مختلف، سازماندهی رشته های مورد علاقه مردم به وسیله مدیریت های محلی و ملی گسترش یافته است (حیدری چروده، ۱۳۸۹).

سلامت، یکی از اساسی ترین نیازهای همه انسانهاست و هیچ یک از افراد جامعه را نمی توان از آن بی نیاز دانست. سلامت فرد در گرو ارائه خدماتی با کیفیت، مناسب و متناسب با نیاز مردم است (طریقت منفرد، ۱۳۸۷). ویندر^۳ (۲۰۰۱) با ارائه آماری، سرمایه گذاری بی نتیجه روی ورزش قهرمانی را بدون پرداختن به سلامت جامعه (ورزش همگانی) بیهوده دانسته است. بیشتر جمعیت کشور ایران همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تغذیه، سلامت، مسکن و رفاه مناسب ندارند. همچنین، مشکلاتی در سیاست ورزشی ایران وجود دارد. در این زمینه دوستی و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان "بررسی سیاست ورزش در ایران" بر روی دو نکته تاکید داشت: ابتدا ایجاد روابط قابل قبول و دوسویه با بدنه های دولتی ورزش و دوم، شناسایی محل و دپارتمانی مناسب برای ورزش. تنها در ده سال گذشته است که دولت ایران شروع به توسعه روابط با بدنه های دولتی در مورد ورزش های المپیکی و فوتبال کرده است. بررسی وضعیت همگانی در کشورهای استرالیا، آلمان، ژاپن، مالزی، فنلاند و دانمارک نشان می دهد که برنامه منظم برای رشد و توسعه ورزش همگانی در این کشورها بیش از ۵۰ سال سابقه دارد. عوامل متعددی در این موفقیت نقش دارد که قبل از هر چیز می توان به

^۱ Community Sports Committee

^۲ Mansfield.& Piggin

^۳ Winther

رشد برنامه ورزش همگانی در چارچوب برنامه‌های ملی این کشورها و حمایت مؤثر دولت‌ها از این برنامه‌ها اشاره کرد. داشتن راهبرد و سیاست‌های روشن و مدون برای توسعه ورزش همگانی، یکی از عوامل اصلی توسعه ورزش همگانی در این کشورها می‌باشد (جوادی پور، ۱۳۹۰؛ دانوارد و راسکیوت^۱، ۲۰۱۰: ۲۰۰). در تحلیل سوات^۲ نهادهای متولی ورزش کشور، فصل سوم طرح اجمالی سند راهبردی ورزش، موارد زیر از جمله ضعف‌های مطرح شده در این تحلیل می‌باشد:

- تعدد مراکز سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در ورزش کشور؛
- فقدان هماهنگی و تعادل بین نهادهای ورزشی کشور؛
- فقدان ساز و کارها و تشکیلات مناسب برای توسعه اقتصادی و منابع مالی ورزش کشور؛
- خلاء نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان در ورزش ملی و وجود سیاست‌گذاری بخشی؛
- کاستی مدیریت جهت‌مند ورزش کشور؛
- فقدان تفکیک روشن بین تصمیمات کلان، میانی، میدانی و اجرایی؛
- فقدان تناسب هماهنگی برای نهاد متولی ورزش همگانی؛
- وجود تداخلات عیان بین وظایف سازمان تربیت‌بدنی و کمیته ملی المپیک (طرح اجمالی سند ورزش کشور، ۱۳۸۲).

بدین ترتیب، یکی از راهبردهای توسعه نهادهای ورزش کشور، تمرکز در سیاست‌گذاری و نظارت ملی و عدم تمرکز در مدیریت اجرایی و اجرا می‌باشد. (طرح اجمالی سند ورزش کشور، ۱۳۸۲). از طرف دیگر، ورزش همگانی برای رشد و توسعه نیازمند ابزارهایی است، از جمله:

۱. تسهیلات اقتصادی: نگاهی به سیاست‌گذاری‌های کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در کشورهایمانند انگلستان در ده سال آینده ۱/۵ تا ۲ میلیارد پوند به ورزش همگانی اختصاص می‌یابد.

^۱ Downward & Rasciute
^۲ SWOT

۲. تغییر در مدیریت و برنامه‌ریزی: سازمان ورزش در بسیاری از کشورها دست به تغییر راهبردهای خود و فضای رشد ورزش همگانی زده است. چنین تحولاتی به علت تغییرات اجتماعی که در زمینه تربیت بدنی روی می‌دهد، امری اجتناب ناپذیر است.

۳. امکانات ورزشی: یکی از اصلی‌ترین مواد لازم برای مشارکت بیشتر مردم در ورزش، گسترش امکانات ورزشی است. تعداد مناسب مربی ورزشی در زمینه آموزش ورزش و همچنین افزایش مراکز، اماکن و زمین‌های ورزشی، از هزینه‌های رشد مشارکت افراد در ورزش به‌شمار می‌رود. این در حالی است که در کشور ما، رشد جمعیت متناسب با امکانات موجود نبوده و نیز تمهیدات لازم برای استفاده کامل از امکانات ورزشی موجود فراهم نشده است. این موضوع و نیز استفاده ناکارآمد از حداقل امکانات موجود موجب عدم برخورداری همه افراد جامعه از امکانات ورزشی شده است - درحالی که بند سوم قانون اساسی به برخورداری رایگان همه مردم از تربیت بدنی اشاره می‌کند (احسانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۰).

پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه ورزش همگانی و تفریحات ورزشی در کشورمان نشان می‌دهد که توسعه و تعمیم ورزش با وجود برنامه ریزی‌ها، هزینه‌ها و تلاش‌های مختلفی که در سال‌های اخیر صورت پذیرفته است، به نحو مناسبی گسترش نیافته است و کاستی‌ها و ضعف‌های عدیده‌ای دارد (اتقیاء، ۱۳۸۷: ۹۷؛ کشکر و سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). این وضعیت در شرایطی بر ورزش عمومی و همگانی جامعه ما حاکم است که بر مبنای تحقیقات به عمل آمده و به استناد شواهد علمی، تمامی دست‌اندرکاران و مسئولان بر ضرورت تعمیم و همه‌گیر شدن ورزش و فعالیت‌های مستمر و منظم بدنی تأکید دارند و آن را امری مهم و لازم در راستای ارتقای سلامت در جامعه می‌دانند (قالیباف، ۱۳۸۹: ۲۳؛ آفرینش و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۲).

فولدسی^۱ (۱۹۹۱) در پژوهشی با عنوان "از ورزش جمعی تا جنبش ورزش برای همه" در کشورهای "سوسیالیستی" (اروپای شرقی) به این مورد می‌پردازد که چگونه کشورها در بلوک شرقی (اروپا) فعالیت بدنی مردم خود را ارتقا دادند. وی بیان می‌کند کشورهای مدرن با مشکل جدیدی روبرو هستند: آن‌ها باید فعالیت-

۱_Foldesi

های ورزشی را برای همه شهروندان بدون داشتن نهادهای مناسب آن گسترش دهند. هر یک از دولت‌ها بسته به شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پاسخ‌های متفاوتی برای این چالش ارائه می‌دهند. در بخش اول، زمینه سیاسی و اقتصادی بحث می‌شود. وی ادعا می‌کند که کشورهای بلوک شرقی در مقایسه با کشورهای غربی شرایط بسیار خاصی برای توسعه ورزش برای همه دارند. ورزش برای همه در دولت‌های دموکرات غربی می‌تواند به‌عنوان یک هدف تعیین شود، اما به سختی می‌توان متوجه چنین هدفی شد. کاتوالا^۱ (۲۰۰۰) در پژوهش خود در مورد بهسازی و اصلاحات سازمان‌های بین‌المللی ورزشی بیان می‌کند که اگر بدنه‌های ورزشی می‌خواهند بطور جدی اصلاحات داشته باشند، بهترین و اولین گام برای آن‌ها این است که برای ایجاد انجمن چند-دینفعی آزاد و شفاف در مورد اداره ورزشی صحیح همکاری کنند. کاتوالا پیشتر توضیح داد که اصلاحات باید مشمولیت داشته باشد؛ یعنی به ذی‌نفعان کلیدی ورزشی برای اصلاح فرایندهای تصمیم‌گیری نقش مرکزی بدهد تا به دنبال تطبیق منافع حیاتی خود براساس ارزش‌های کل ورزش باشند. به هر حال باید توجه شود که ورزشکاران، ذی‌نفعان مهم فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی هستند. مقاله‌ای که وی به آن می‌پردازد ماهیتاً اکتشافی می‌باشد و اولین گام مهم در درک نقشی که ورزشکاران در اداره فدراسیون‌های بین‌المللی ورزش ایفا می‌کنند را نشان می‌دهد. وی بیان می‌کند که برخی از این سازمان‌های بین‌المللی کمیته‌های ورزشکاری را بوجود آوردند تا مشارکت آن‌ها را در تصمیم‌گیری تضمین کنند، در حالی که سازمان‌های دیگر ورزشکاران را به‌عنوان بخشی از مدیریت خود در نظر نگرفتند. اندرف^۲ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان "ارتباط ورزش و توسعه اقتصادی" نشان داد که رابطه قوی بین سطح توسعه اقتصادی و سطح توسعه ورزشی آن کشور وجود دارد. به ویژه در کشورهای در حال توسعه که با کمبود فعالیت بدنی، فقدان تامین مالی برای ورزش، تعداد محدود امکانات ورزشی و عدم توانایی برای میزبانی رویدادهای مهم ورزشی رو به رو هستند. برآورد مدل تحقیق نشان داد که احتمال کسب مدال برای یک کشور در بازی‌های المپیک با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه و جمعیت افزایش می‌یابد. توسعه اقتصادی تنها دستورالعمل پایدار در برابر توسعه نیافتگی ورزشی است. با این حال، راه حل‌های دیگری مانند تلاش یونسکو برای حمایت از ورزش، ورزش برای همه و ورزش‌های سنتی در کشورهای در حال توسعه؛ گرفتن کمک خارجی برای شرکت در مسابقات ورزشی بین‌المللی و جریمه

۲ Katwala
۲ - Andreff

برای موارد فساد در ورزش ارائه شده است. ویکر و همکاران^۱ (۲۰۰۹) به بررسی ارتقای ورزش همگانی با رویکرد ویژه سن گروه های هدف: تاثیر زیر ساخت های ورزش پرداختند. نتایج نشان داد که وجود زیر ساخت های ورزشی که متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف باشد بطور معنی داری تاثیر بسزایی بر روی الگوی فعالیت های ورزشی دارد. به عنوان مثال، وجود استخر های شنا در دوره کودکی و نوجوانی و مراکز تناسب اندام و ژیمنازیوم در دوره جوانی بر روی جذب گروه های مختلف سنی تاثیر گذار است. برای سرمایه گذاری در ورزش همگانی باید به توسعه زیر ساخت ها با توجه به نیازهای سنین مختلف توجه شود. بارندز^۲ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان "برنامه ملی، دانش و نوآوری در ورزش و فعالیت بدنی در کشور هلند"، به سه ابزار اصلی این برنامه اشاره نمود: مشوق های ورزشی محله ای (جهت ایجاد انگیزه میان مردم در تمام سنین برای ورزش یا فعالیت بدنی بیشتر)، انگیزش ورزشی یا کمک مالی به پروژه های ورزشی و تمرینی (کمک های مالی انگیزشی ورزشی برای باشگاه های ورزشی، مراکز تناسب اندام و دیگر ارائه دهندگان ورزشی در نظر گرفته شده تا برنامه فعالیت برای گروه های با مشارکت پایین یا کم تحرک راه اندازی نمایند) و به اشتراک گذاری تخصص و دانش در سطح ملی و محلی برای ایجاد شبکه در سطح محلی بین سازمان های ورزشی و سازمان های غیر انتفاعی محلی، مانند مدارس و سایر نهادهای عمومی. نتایج پژوهش سارجیت سینگ^۳ (۲۰۱۷) که به سیاست ها و راهبردهای توسعه ورزش همگانی در کشور مالزی پرداخت، حاکی از این بود که دولت مالزی از طریق وزارت ورزش و جوانان سه برنامه بزرگ ملی برای افراد در تمام سنین راه اندازی کرده است. این سه برنامه، "مالزی متناسب"، "روز ملی ورزش" و "الهام بخشیدن" بودند. این برنامه ها در تمام ۱۵ ایالت و بیش از ۱۲۰ بخش سازماندهی شده اند و در نتیجه تمام مردم با هرگونه زندگی و سن را در برمی گیرند. در نهایت، هدف اصلی این سیاست ورزشی، تبدیل ورزش به یک فرهنگ در زندگی روزمره مردم بود. اهداف و راهبردهای مشخص شده در این سیاست تضمین می کنند که تمام تلاش ها در این راستا، همراه با تلاش ها برای رسیدن به وضعیت توسعه یافته در کشور مالزی با موفقیت پیاده سازی شوند.

جوادی پور (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "برنامه راهبردی فدراسیون ورزش های همگانی" به بررسی وضعیت ورزش همگانی در کشورهای استرالیا، آلمان، ژاپن، مالزی، فنلاند و دانمارک پرداخت و نشان داد که برنامه های

۲ - Wicker et al

۲ Barendse

۳ Sargit Singh

منظم برای رشد و توسعه ورزش همگانی در این کشورها بیش از ۵۰ سال سابقه دارد. عوامل متعددی در پیشرفت ورزش همگانی نقش دارد که قبل از هر چیز می‌توان به رشد برنامه ورزش همگانی در چارچوب برنامه‌های ملی این کشورها و حمایت مؤثر دولت‌ها از این برنامه‌ها اشاره کرد. همچنین، یکی از عوامل اصلی توسعه ورزش همگانی در این کشورها را داشتن راهبرد و سیاست‌های روشن و مدون برای توسعه ورزش همگانی و نقش بخش خصوصی بیان کرد. هدف از انجام پژوهش شعبانی و همکاران (۱۳۹۳) مطالعه برنامه‌ها و سیاست‌ها و راهبردهای ورزشی همگانی در طرح جامع ورزش کشور بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری بین نقاط درونی هر چهار متغیر قوت، ضعف، فرصت و تهدید در ورزش همگانی طرح جامع ورزش وجود دارد که به ترتیب اهمیت در هر متغیر مشخص شده‌اند. گودرزی و همکاران (۱۳۹۴) به شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش همگانی از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اکتشافی و به صورت کیفی پرداختند. نتایج نهایی این تحقیق بیانگر شناسایی ۳۳ مؤلفه مؤثر در سه موضوع اصلی تحقیق (نقش شناختی، هنجاری و تنظیمی) و ۳۱ مؤلفه به عنوان عوامل بازدارنده گردید. همچنین ۱۲ مؤلفه نیز شناسایی گردیدند که در نقش‌های سه گانه جای نگرفتند و در مؤلفه‌های مربوط به تولید برنامه خلاصه شدند. در پژوهش خداداد کاشی و کریم نیا (۱۳۹۵) تلاش گردید که عوامل مؤثر بر میزان موفقیت کشورها در بازی‌های المپیک از طریق مدل اقتصادسنجی لاجیت ارزیابی شود. نتایج دلالت بر آن داشت که شاخص توسعه انسانی، تعداد شرکت‌کنندگان، تراز تجاری، درآمد سرانه و عملکرد ورزشی دوره قبل احتمال موفقیت ورزشی کشورها در بازی‌های المپیک را افزایش می‌دهد. ملک اخلاق و همکاران (۱۳۹۶) به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر اجرای راهبردهای سازمانی در سازمان‌های ورزشی دولتی ایران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد در خارج سازمان ۴ عامل و در داخل سازمان ۶ عامل، اجرای راهبرد را متأثر خواهند کرد. عوامل خارجی در اجرای راهبردهای سازمانی از اولویت یکسانی برخوردارند، اما عوامل داخلی اولویت‌بندی متفاوتی داشتند. از میان عوامل داخلی اولویت اول به منابع مالی و اولویت نهایی به ساختار سازمان اختصاص یافت. همچنین در مورد اهمیت ورزش می‌توان به بیانات مقام معظم رهبری، قانون اساسی، سند چشم‌انداز و برنامه توسعه و برنامه بودجه اشاره کرد. ارشادات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران پیرامون اهمیت، نقش و تأثیر ورزش بر جوانان حاکی از ارزش و اهمیت پرداختن به این امر است. طبق فرمایش ایشان، "جوانان ذخیره کشور و مایه امید ملت هستند که موفقیت بیشتر آنها در گرو ورزش

در تمامی ابعاد انسانی است". در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور، برنامه ششم توسعه و طرح جامع ورزش کشور نیز به توسعه ورزش توجه ویژه ای شده است. در خطی مشی برنامه توسعه ششم به این مهم توجه شد که همگانی کردن ورزش و گسترش فعالیت های تربیت بدنی به خصوص بین جوانان به منظور پرورش جسم و روح و پربار کردن اوقات فراغت بین عموم مردم سبب ارتقا کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه می شود (قانون برنامه ششم، ۱۳۹۶). از طرف دیگر، امروزه به وضوح روشن است که ساختار سازمان ها به گونه ای پیچیده شده که آنها بدون برنامه ریزی های دقیق به هیچ وجه نمی توانند به حیات خود تداوم بخشند. سازمان های ورزشی نیز از این مقوله مستثنی نیستند. برنامه ریزی در یک سازمان ورزشی همانند هر سازمان دیگری به عنوان مهمترین وظیفه مدیریت به شمار می رود. در حقیقت، برنامه ریزی در یک سازمان ورزشی باعث می شود تا اهداف همه فعالیت ها و گروهی تعیین شده و نحوه دستیابی به آن اهداف طرح ریزی شود (مظفری، ۱۳۸۸). به همین منظور تحقیق حاضر سعی دارد که با نگاهی علمی و محققانه به شناخت راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی ایران بپردازد تا سازمان های متولی ورزش همگانی کشور از جمله معاونت ورزش همگانی کشور، فدراسیون ورزش همگانی، شهرداری ها و ... ضمن آگاهی از مسیر حرکت، بتوانند از هر گونه دوباره کاری، بیراهه رفتن و به هدر رفتن منابع مالی، انسانی، فیزیکی و اطلاعاتی خود پیشگیری کنند.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، روش آمیخته اکتشافی^۱ بود. بدین منظور این مطالعه در ۲ فاز اصلی (بخش اول، کیفی و بخش دوم، کمی) انجام گردید. پژوهش حاضر از نظر هدف در شمار پژوهش های کاربردی و از منظر ماهیت داده های پژوهشی، جزو پژوهش های طرح آمیخته بود. برای اجرای اولین بخش این پژوهش، جامعه آماری متشکل از خبرگانی بود که در زمینه ورزش همگانی تخصص علمی، اجرایی و یا هر دو مورد را داشتند (از جمله اساتید دانشگاه که دارای کتب و یا پژوهش در ورزش همگانی بودند و همچنین مدیران سازمان های مرتبط با ورزش همگانی) که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. آنها ابتدا در جریان موضوع مصاحبه قرار گرفتند و به بیان نظرات و دیدگاه های خود درباره سؤالات مصاحبه پرداختند. مصاحبه بطور ساختاریافته

^۱ Exploratory mixed method

با ۱۶ نفر که تمایل به همکاری داشتند، انجام گرفت. نمونه گیری تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت- از نظر استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱) اشباع یعنی ادامه جمع آوری داده ها باعث تکرار جمع آوری داده های قبلی باشد و اطلاعات جدیدی حاصل نگردد. از این رو، تعداد مشارکت کنندگان قبل از مطالعه مشخص نمی شود و تصمیم گیری در مورد مشارکت کننده بعدی توسط اطلاعات حاصل از مشارکت کننده های قبلی هدایت می شود و تا زمانی که کدهای جدیدی از مصاحبه ها استخراج شود و اطلاعات بدست آمده تکراری نباشد، نمونه گیری ادامه می یابد. سپس داده های حاصل از مصاحبه ها به روش استرابت و کارپنتر^۱ کدگذاری و تجزیه و تحلیل گردید- کدگذاری و به عبارتی تجزیه و تحلیل داده ها در این روش، براساس جمع آوری اطلاعات از طریق سؤالات و محورهای انتخاب شده انجام گرفت. پس از مصاحبه، محقق صحبت های ضبط شده را به متن نوشتاری تبدیل کرد. همچنین، جملات و عبارات و نقل قول هایی که به درک بهتر افراد از موضوع اصلی تحقیق دلالت می کردند، مشخص شدند. در مرحله بعد، محقق از عبارات مهم برای دسته بندی معانی استفاده کرد که به دستیابی به زیرمضمون ها منجر می شد. این زیرمضمون ها نیز برای نوشتن آنچه شرکت کنندگان بیان کرده اند، در پوشش مضمون ها استفاده شد. جهت تایید روایی و اطمینان پذیری داده ها، یافته ها به شرکت کنندگان ارائه شد و نظراتشان دریافت و دوباره پرسیده شد. گوبا و لینکلن^۲ (۱۹۹۴) معتقدند برای تایید روایی و دقت علمی در پژوهش های کیفی با استفاده از مفهوم قابلیت اعتماد و عناصر چندگانه آن، راهبرد های متعددی نظیر بازبینی در زمین کدگذاری، تایید نتایج با مراجعه به آزمودنی ها، تایید همکاران پژوهشی و ... وجود دارد. در پژوهش حاضر نیز به کسب نظر اساتید و متخصصان امر در مورد روند پژوهش به منظور افزایش اعتبار پژوهش اقدام گردید. برای تایید دقت علمی، از بازبینی کدگذاری ها (پایایی باز آزمون) و تایید همکاران پژوهشی بهره گرفته شد.

جامعه آماری در بخش کمی، مدیران فدراسیون ورزش های همگانی، روسای کمیته های فدراسیون، روسای انجمن های تحت پوشش فدراسیون و روسای هیات های ورزش همگانی استان ها با سوابق علمی و اجرایی در حوزه ورزش همگانی بودند (۲۰۰ نفر) که در نهایت، حدود ۵۰ نفر به شیوه تصادفی ساده انتخاب و به پرسشنامه تحقیق پاسخ دادند. ابزار گردآوری داده های پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته ۶۰ سوالی بود. گویه

^۱ Streubert & Carpenter

^۲ Guba & Lincoln

های این پرسشنامه، از مصاحبه نظامند با مدیران و کارشناسان خبره و پیشینه پژوهش استخراج گردید. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، مورد تایید چند تن از اساتید متخصص قرار گرفت. روایی سازه نیز با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی تأیید شد. پایایی آن با روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید ($\alpha = 0/83$). تحلیل داده ها در این بخش نیز با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و با آزمون ویلکاکسون انجام گرفت.

یافته های پژوهش

نتایج بخش کیفی

در این بخش، نتایج به دست آمده از تحلیل مصاحبه های بخش کیفی ارائه می شود. نظرات شرکت کنندگان در مصاحبه در زمینه راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی مورد بررسی قرار گرفت و مؤلفه های راهبرد های سازمانی، فرهنگ سازی، راه حل های اقتصادی و پژوهش محور بودن شناسایی شد. مقوله های مرتبط با هر کدام در جدول ۱ مشاهده می شود.

جدول ۱: راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی

تحلیل داده ها با روش استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱): کدگذاری و مقوله ای کردن	
سؤال ۱: راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی کدام اند؟	
مضمون/ها	مقوله های استخراج شده از مصاحبه ها
راهبرد های سازمانی	استاندارد سازی انجمن ها با قوانین ساده، جهانی فکر کردن و منطقه ای عمل کردن، داشتن سند توسعه و حرکت بر مبنای راهبرد در فدراسیون، ایجاد بستر مناسب جهت بهره برداری از منابع مختلف، راهبرد برای افراد معلول و بیماران خاص، تعریف و تدوین رشته ها در راستای ایجاد رقابت و رغبت، ایجاد شورای توسعه ورزش با عملکردی فراتر از وزارت ورزش برای همگون کردن فعالیت ها
فرهنگ سازی	کار گروهی، خانواده محوری و مادر محوری، حرکت جهادی، مشارکت کودکان، استفاده از فضای مجازی، تبلیغات رسانه ای، اولویت دادن به ورزش برای اوقات فراغت
راه حل های اقتصادی	حمایت از تولیدکنندگان وسایل و تجهیزات، دسترسی آسان به امکانات، توجه به وضعیت خانواده ها، تأمین بودجه و منابع مالی
پژوهش محوری	نیازسنجی و برآورد ذائقه فرهنگی، مزیت نسبی و نیازهای واقعی مردم استان های مختلف، همایش های علمی و مطالعه مسائل داخلی و خارجی برای رفع مشکلات و ابلاغ همگانی، بررسی مطالعات پیشین و بهره بردن از تجارب و ایده های برنامه ریزان و ارزشیابان، بررسی

وضعیت موجود و نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدات، آنالیز ذی نفعان و جلب مشارکت آنان، مطالعات تطبیقی، بومی سازی تجربیات

هدف سؤال بعدی پژوهش حاضر، ارائه الگوهایی جهت سیاست گذاری در ورزش همگانی بود. طبق بررسی های صورت گرفته، مطالعات تطبیقی و بومی سازی، مدیریت سازمانی، الگوهای فرهنگی و دینی و الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی، مؤلفه های شناسایی شده برای این سؤال هستند. مقوله های مرتبط با این مؤلفه ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: الگوهایی برای سیاست گذاری در ورزش همگانی

تحلیل داده ها با روش استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱): کدگذاری و مقوله ای کردن	
سؤال ۲: به نظر شما از چه الگویی می توان برای سیاست گذاری در ورزش همگانی استفاده نمود؟	
مضمون/ها	مقوله های استخراج شده از مصاحبه ها
مطالعات تطبیقی و بومی سازی	الگوی کشورهای موفق دنیا و مطالعه سیاست های واحد آن ها جهت همسو کردن فعالیت های بخش های مختلف، الگوی کشورهایی که وزارت ورزش و بهداشت آنها با هم همکاری می کنند، بومی سازی الگوهای موفق جهان
تغییرات ساختاری	اصلاح ساختارها و سهمیه بندی ها و برنامه ریزی ها، پذیرش تولید سیاست گذاری در وزارت ورزش، ایجاد جایگاهی برای طرح اندیشه ها، نوآوری ها، ایده ها، خلاقیت ها و تبدیل آنها به سیاست
الگوهای عملیاتی و اجرایی	مجوز و نظارت و همراهی در اجرا و استفاده از امکانات، ایجاد شبکه ای از فعالیت های متصل به هم، برنامه ریزی های مکمل برای دستگاه های اجرایی، تعریف نظام گسترش ورزش همگانی در راهبرد های کلان نظام
الگوهای فرهنگی و دینی	آموزش و آگاهی سازی، راهکارهای دینی و توصیه های معصومین
الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی	مطالعه نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدات، مطالعات دقیق با سرشماری

نتایج بخش کمی

در این بخش نتایج به دست آمده از تحلیل پرسشنامه ها که با استفاده از ازمون ویلکاکسون انجام گرفت، ارائه می شود و در صدد هستیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که آیا وضعیت موجود راه حل ها، راهبرد ها، الگوها و برنامه های توسعه ورزش همگانی تفاوت معناداری با وضعیت مطلوب آن ها دارد؟ در جدول ۳، شکاف

موجود میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی آمده است.

جدول ۳: میانگین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبرد ها، الگوها و برنامه های توسعه ورزش همگانی و شکاف موجود میان آنها

ردیف	مؤلفه	میانگین وضعیت موجود	میانگین وضعیت مطلوب	شکاف موجود
۱	راهبرد های سازمانی	۲/۳	۴/۵	-۲/۲
۲	فرهنگ سازی	۲/۴	۴/۵	-۲/۱
۳	راه حل های اقتصادی	۲	۴/۴	-۲/۴
۴	پژوهش محوری	۲/۴	۴/۴	-۲
۵	مطالعات تطبیقی	۲/۲	۴/۴	-۲/۲
۶	تغییرات ساختاری	۲/۴	۴/۳	-۱/۹
۷	الگوهای عملیاتی و اجرایی	۲/۵	۴/۲	-۱/۷
۸	الگوهای فرهنگی و دینی	۲/۸	۳/۸	-۱
۹	الگوهای مبتنی بر پژوهش	۲/۲	۴/۲	-۲

طبق نتایج جدول ۴، سطح معناداری به دست آمده ۰/۰۰۸ می باشد که از سطح ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان میتوان گفت که بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی تفاوت معناداری مشاهده می شود.

جدول ۴: آماره های بدست آمده از مقایسه وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبرد های برنامه های توسعه

ورزش همگانی

	وضعیت مطلوب-موجود
Z	-۲/۶۶۸
P	۰/۰۰۸

بحث و نتیجه گیری

رویکردهای متفاوتی نسبت به پدیده ورزش وجود دارد که برخی از آنها با نگاه قهرمانی و در برخی موارد نگاه سلامت عمومی و نشاط جامعه و در رویکرد دیگر نگاه اقتصادی مدنظر قرار می گیرد، اما صرف نظر از همه آنها اهمیت تربیت بدنی و ورزش روز به روز در حال افزایش است. ارتباط ورزش با پدیده های فرهنگی، اجتماعی،

سیاسی و اقتصادی حاکی از اهمیت این پدیده و نقش آن در برنامه های توسعه ملی کشورهاست و در یک نگاه کلی توسعه و پیشرفت ورزش در هر کشور با اقتدار و قدرت آن کشور ارتباط نزدیکی دارد (مطالعات تفصیلی توسعه ورزش همگانی و تفریحی، ۱۳۸۱). یک بخش عمده از ورزش که با سلامتی و نشاط جامعه ارتباط نزدیک دارد و بسیاری از کارکردهای اساسی ورزش در آن خلاصه می شود، ورزش همگانی و یا ورزش برای همه است. بسیاری از کشورهای توسعه یافته از میان رویکردهای مختلف ورزش، ورزش با رویکرد بخش سلامت را پذیرفته و بر اساس آن عمل می نمایند. پژوهش حاضر با روش ترکیبی در دو بخش کیفی و کمی به بررسی راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی پرداخت. نتایج این تحقیق در زمینه ارائه راهبرد ها و برنامه های توسعه ورزش همگانی شامل راهبرد های سازمانی، فرهنگ سازی، راه حل های اقتصادی و پژوهش محور بودن بود:

از طریق راهبرد های سازمانی نظیر استانداردسازی انجمن ها با قوانین ساده، جهانی فکر کردن و طبق استانداردهای جهانی پیش رفتن و در عین حال منطقه ای عمل کردن و بومی سازی استانداردهای جهانی، داشتن سند توسعه و حرکت بر مبنای راهبرد در فدراسیون، ایجاد بستر مناسب جهت بهره برداری از منابع مالی، منابع طبیعی و انسانی متعدد در استان های مختلف بر اساس نیازها، توانایی ها، فرهنگ ها و آداب و رسوم مردم مناطق مختلف، توجه به افراد معلول و بیماران خاص، تعریف و تدوین رشته های متنوع در راستای ایجاد رقابت و رغبت عمومی، ایجاد شورای توسعه ورزش با عملکردی فراتر از وزارت ورزش برای همگون کردن فعالیت ها می توان در راه توسعه ورزش همگانی گام برداشت. نظر مصاحبه شوندگان در این تحقیق این بود که یک فدراسیون با یک اساسنامه محدود نمی تواند برنامه ریزی کلان و یک کار اساسی انجام دهد. باید ابتدا با توجه به وضعیت موجود راهبرد مشخص شود. همچنین برنامه ای که هر کدام از دستگاه های مرتبط به ورزش برای توسعه ورزش دارند مشخص شود که چون اختیار چنین چیزی از یک فدراسیون بالاتر است، باید شورایی فراتر از وزارت ورزش در سطح کشور تشکیل شود. به عبارت دیگر، شورایی مانند شورای توسعه ورزش برای همه ایجاد شود تا همه موارد را همگون کند، در غیر این صورت همه کارها مرتب تکرار می شود و کار اساسی صورت نمی گیرد. در هزاره سوم سازمان های ورزشی نیز مانند اکثر سازمان ها و نهادها، برای بقا و دوام در عرصه رقابت جهانی به سازمانی راهبرد محور تبدیل شده اند (ملک اخلاق و همکاران، ۱۳۹۶)؛ به طوری که هم اکنون بسیاری از سازمان های ورزشی در کشورهای مختلف بر حسب مأموریت خود راهبرد مورد نیازشان را تهیه و با اجرای آن به موفقیت های خوبی دست یافته اند. با چنین اندیشه ای، سازمان های مزبور علاوه بر داشتن برنامه راهبردی و چشم انداز شفاف، به دنبال حضوری موفق در عرصه های داخلی و خارجی می باشند و امیدوارند با اجرای راهبرد مزبور به هدف تعیین شده، با حداقل انرژی و منابع دست

یابند. در این زمینه می توان به "انجمن المپیک مالزی" اشاره کرد که با اجرای اولین برنامه راهبردی خود (۲۰۰۳-۱۹۹۳) به موفقیت هایی چون: افزایش اعتبار و جایگاه، به کارگیری فن آوری اطلاعات، بهره مندی از نیروی انسانی متخصص، بازسازی تسهیلات و امکانات، اصلاح اساسنامه طبق نیازهای جدید، تقویت بنیه مالی، برگزاری کنفرانس سالیانه و تأسیس آکادمی ملی المپیک نائل شده است (به نقل از کشاورز و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین، سوابق موفقیت های کسب شده در کشورهای موفق در حوزه سلامت نشان می دهد برنامه ریزی و تدوین سیاست های اثربخش، نقش مهمی را در این زمینه ایفا می کند. تدوین یک برنامه منسجم در این زمینه سبب حمایت دولت، مسئولان محلی، سهامداران و بخش خصوصی می شود. افزون بر این امکان جذب سرمایه و قانون گذاری را افزایش و احتمال ناکامی را کاهش می دهد (سالیس و همکاران، ۱۹۹۸؛ بال و همکاران، ۲۰۰۴؛ اسکوپر و همکاران، ۲۰۰۶).

مورد بعدی در این زمینه فرهنگ سازی بود. ترویج فرهنگ کار گروهی، خانواده محوری و مادر محور بودن برنامه ها و سیاست های ورزش همگانی و داشتن برنامه های منسجم برای خانواده ها و مادران، مشارکت دادن کودکان، استفاده از فضای مجازی و تبلیغات رسانه ای جهت فرهنگ سازی و آگاه سازی اقشار جامعه نسبت به اهمیت ورزش همگانی، اولویت دادن به ورزش برای اوقات فراغت و حرکت جهادی، از راه های توسعه ورزش همگانی می باشد. در منابع علمی ما، ورزش را در کنار تفریحات سالم معرفی می کنند. ماهیت موضوع نیز همین است. اگر بخواهیم برنامه ای در کشور و دنیا نهادینه شود، باید حتما آن را از کانون خانواده شروع کرد. در واقع، خانواده محور توسعه ورزش همگانی است. شعار فدراسیون ورزش های همگانی نیز به این صورت تنظیم شده است: "مادران عمود خیمه ورزش همگانی هستند." (مجدآرا، ۱۳۹۶). بر این اساس باید برای مادران و زنان به عنوان عمود خیمه ورزش همگانی کشور برنامه ریزی شود. همچنین، توسعه ورزش و همگانی کردن آن از جمله مؤثرترین روش های پیشگیری از ناهنجاری های رفتاری و تقویت ارزش های اجتماعی به ویژه در نسل جوان می باشد. تربیت بدنی از طریق فعالیت های علمی و اصولی نقش مهمی در رشد ابعاد وجودی انسان ایفا می کند و می تواند موجب بروز خلاقیت ها و شکوفایی استعدادها گردد. دولت ها، از یک سو برای کاهش هزینه درمان و بهداشت و رشد سلامت روحی و جسمی افراد جامعه روی ورزش برنامه ریزی می کنند و از سوی دیگر، انعکاس بردها و موفقیت ها در ورزش قهرمانی است که علاوه بر ایجاد غرور ملی و شادابی جامعه، تحرک افراد را در نقش پذیری و مسئولیت پذیری در بخش های مختلف ورزش اعم از همگانی، قهرمانی و حرفه ای بالا می برد. لذا تدوین برنامه های فرهنگی و تربیتی منطبق با اصول و مبانی اسلامی و ایرانی با استفاده از متخصصین و زبدگان ورزشی، مذهبی، روانشناسی و جامعه شناسی که نگرش ورزشی داشته و نیازهای واقعی جوانان را لمس می کنند به منظور توسعه فرهنگی ورزش همگانی و

حرفه ای کشور ضروری می نماید، چرا که جامعه از فقر فرهنگ ورزشی لطمه اساسی دیده است (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۴). در این راستا، رسانه های جمعی نیز نقش مؤثری می توانند ایفا کنند. دوند و پاتیل (۲۰۱۲) رسانه ها را به عنوان سیستم عصبی مرکزی جامعه معرفی کردند و نقش مثبت رسانه های جمعی را در توسعه ورزش اثبات نمودند. از دیگر تحقیقات همخوان با نتایج این تحقیق می توان به غفوری و همکاران (۱۳۸۲)، گودرزی و همکاران (۱۳۹۴)، آصفی و اسدی (۱۳۹۵) نیز اشاره کرد. گودرزی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که تلویزیون ایران نسبت به ورزش همگانی رویکرد مناسبی ندارد و این مسئله نیازمند تغییر نگرش در مدیران سازمان نسبت به این موضوع است. در عین حال با توجه به مطالب پیش رو می توان کاربرد تلویزیون در زمینه توسعه فرهنگ ورزش همگانی را بیشتر نمود. در این زمینه غفوری و همکاران (۱۳۸۲) نیز اعلام می کنند عوامل فرهنگی بر توسعه ورزش همگانی تأثیر گذارند. بنابراین با توجه به اینکه اینگونه هنجارها، ارزش ها و سنت ها را نمی توان به آسانی تغییر داد، انتظار می رود که در سیما با در نظر گرفتن آن، اقدام به ترویج فعالیت های ورزشی مختلف نمود که متناسب با آن فرهنگ باشد، تا فرهنگ هر منطقه به عنوان مانع تلقی نشود.

راه حل های اقتصادی شامل حمایت از تولیدکنندگان وسایل و تجهیزات، دسترسی آسان به امکانات، توجه به وضعیت خانواده ها، تأمین بودجه و منابع مالی موجب ترغیب و اشتیاق اقشار مختلف جامعه اعم از فعالان اقتصادی، خانواده ها، جوانان و نوجوانان و افراد میانسال جهت پرداختن به ورزش همگانی و توسعه آن می شود. در واقع، منابع مانند عروق حیاتی سازمان عمل می کنند که در صورت عدم تأمین، حیات سازمان ها را متأثر خواهند کرد. اهمیت تخصیص منابع برای اجرایی شدن راهبرد ها در اکثر تحقیقات نظیر ملک اخلاق (۱۳۹۶)، غفاریان (۱۳۸۲)، نجفی حقی (۱۳۸۳)، تیلی و همکاران (۲۰۰۰)، گادیش و گیلبرت (۲۰۰۱)، تامسون و استریکلند (۲۰۰۳)، بور و گیلبرت (۲۰۰۷) اشاره شده است که با نتایج تحقیق حاضر همخوان می باشد. پیاده سازی راهبرد معمولاً به منابع گسترده ای نیاز دارد. حجم و نوع این منابع بسته به زمینه و ماهیت راهبرد، متفاوت بوده و ابعاد اقتصادی، تکنولوژیک، مدیریتی، صنعتی و یا ترکیبی از این موارد را شامل می شود. هر چه یک راهبرد دارای ابعاد گسترده تری باشد، پیاده سازی آن نیازمند منابع بیشتر و غنی تر خواهد بود و فقدان این منابع در زمان مورد نیاز می تواند پیاده سازی راهبرد را با مشکلات جدی مواجه سازد. در اختیار داشتن منابع ضروری یکی از مسائل اصلی پیاده سازی راهبرد است. نورتون و کاپالن (۲۰۰۰) نیز بیان می کنند که تنها با اتصال فرآیند بودجه بندی به فرآیند برنامه ریزی راهبردی می توان از اجرایی شدن راهبرد های سازمانی اطمینان حاصل نمود.

در زمینه پژوهش محوری می توان گفت که برای توسعه ورزش همگانی لازم است که ذائقه فرهنگی و مزیت های نسبی و نیازهای واقعی مردم استان های مختلف نیازسنجی و برآورد شود، وضعیت موجود و نقاط قوت و

ضعف و فرصت ها و تهدیدات بررسی شود و با مطالعات تطبیقی و بررسی مطالعات پیشین و بهره بردن از تجارب و ایده های برنامه ریزان و ارزشیابان، تجربیات بومی سازی گردند. همچنین لازم است که همایش های علمی برگزار شده و مسائل داخلی و خارجی برای رفع مشکلات، مطالعه گردند و با بررسی و آنالیز ذی نفعان، برای جلب مشارکت آنان اقدام شود. از جمله تحقیقات همسو با این پژوهش می توان به آصفی (۱۳۹۲) اشاره کرد که در نتایج تحقیق خود بیان می کند واحد تحقیق و توسعه می تواند در نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور کمک کننده باشد و انجام تحقیقات در مورد موانع توسعه ورزش همگانی، نیاز سنجی از افراد، روندهای مشارکت در ورزش همگانی و انجام مطالعات تطبیقی و الگو برداری از کشورهای پیشرفته در بخش ورزش همگانی، زمینه ساز رشد و گسترش ورزش همگانی در جامعه است. همچنین آفرینش خاکی و همکاران (۱۳۸۴)، بر لزوم مطالعه، تحقیق و بررسی راه های مختلف در توسعه هر چه بیشتر ورزش همگانی تأکید می کنند و گردآوری داده های مورد نیاز در این زمینه را نخستین گام در مسیر تصمیم گیری های بعدی می دانند. از مباحث مطرح شده می شود به خوبی اهمیت تحقیق و پژوهش در فرآیند برنامه سازی را درک کرد.

طبق نتایج بخش کمی نیز با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبرد ها، الگوها و برنامه های توسعه ورزش همگانی تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه حل ها، راهبرد ها، الگوها و برنامه های توسعه ورزش همگانی از جمله راهبرد های سازمانی، فرهنگ سازی، راه حل های اقتصادی و پژوهش محور، مطالعات تطبیقی و بومی سازی، مدیریت سازمانی، الگوهای فرهنگی و دینی و الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی، شکاف مشاهده می شود.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد الگوهایی که می توان برای سیاست گذاری در ورزش همگانی استفاده نمود به شرح زیر هستند:

۱) مطالعات تطبیقی و بومی سازی: بهره گیری از الگوی کشورهای موفق دنیا و مطالعه سیاست های واحد آنها جهت همسو کردن فعالیت های بخش های مختلف و الگوی کشورهایی که وزارت ورزش و بهداشت آنها با هم همکاری می کنند و بومی سازی این الگوها می تواند برای سیاست گذاری در ورزش همگانی سازنده باشد.

۲) تغییرات ساختاری: اصلاح، نوسازی، اعمال تغییرات با توجه به زمان و مکان و منابع مالی و انسانی در ساختار ورزش همگانی می تواند به عنوان الگویی انحصاری مطرح باشد. اصلاح ساختارها و سهمیه بندی ها و برنامه ریزی ها، پذیرش تولید سیاست گذاری ورزش همگانی در وزارت ورزش، ایجاد جایگاهی

برای طرح اندیشه‌ها، نوآوری‌ها، ایده‌ها، خلاقیت‌ها و تبدیل آنها به سیاست از جمله تغییرات ضروری می‌باشد.

۳) الگوهای عملیاتی و اجرایی: صدور مجوز، نظارت و همراهی در اجرا و استفاده از امکانات، ایجاد شبکه‌ای از فعالیت‌های متصل به هم که در عین استقلال مانع فعالیت‌های تکراری شده، برنامه ریزی‌های مکمل برای دستگاه‌های اجرایی و تعریف نظام گسترش ورزش همگانی در راهبرد‌های کلان نظام الگویی است که می‌توان برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی استفاده نمود.

۴) الگوهای فرهنگی و دینی: آموزش و آگاهی‌سازی از راهکارهای دینی و توصیه‌های معصومین، الگوهای فرهنگی و دینی محسوب می‌شوند که از آنها می‌توان برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی استفاده نمود. در واقع، مهم‌ترین روش برای سیاست‌گذاری دین‌مبین اسلام، استفاده از توصیه‌ها و راهکارهای معصومین هماهنگ با علم و تکنولوژی روز خواهد بود.

۵) الگوهای مبتنی بر پژوهش علمی: الگوهای علمی و پژوهشی و کسب نتایج از طریق مطالعه نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدات و مطالعات دقیق مناطق مختلف با سرشماری را می‌توان برای سیاست‌گذاری در ورزش همگانی استفاده نمود. از نظر محقق، الگوی مرسوم (مبتنی بر پژوهش علمی) ما را به جواب می‌رساند. مطالعه وضعیت محیطی بیرونی و درونی، احصای نقاط قوت و ضعف واقعی، فرصت‌ها و تهدیدهای واقعی و استفاده از کارشناسان می‌تواند ما را به تدوین راهبردها و سیاست‌های مناسب رهنمون شود. گرچه نباید انتظار داشت که در تهران سیاست‌هایی را بنویسیم و در همه نقاط کشور جواب بدهد، بلکه باید این کار به صورت منطقه‌ای و استانی صورت پذیرد.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱) تهیه و تنظیم قوانین، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های ثابت و در عین حال منعطف، یکسان، همسوز، کاربردی، منسجم و جامع و ابلاغ آنها به تمام دستگاه‌های ذیربط و نظارت بر اجرای صحیح آنها در کنار تهیه و تنظیم قوانین و دستورالعمل‌ها و سیاست‌های مختص به هر منطقه و فرهنگ.

۲) طراحی نظام ورزش همگانی و گسترش شبکه آن در سطح کشور؛ به طوری که ارتباط و تعامل دستگاه‌های سیاست‌گذار، برنامه‌ریز، مجری، پشتیبانی‌کننده و ناظر در این نظام تعریف و عملیاتی گردد.

- ۳) بهره‌گیری از سرمایه‌های مردمی، خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در برآورده‌سازی نیازها و خواسته‌ها، سرمایه‌گذاری، اجرای برنامه‌ها و نظارت بر اجرا.
- ۴) برطرف کردن چالش‌ها و حفره‌های مدیریتی و سازمانی، تقویت ارتباطات درون سازمانی و برون سازمانی بین نهادهای مسئول و از بین بردن قوانین بازدارنده و محدودکننده و پوشاننده.
- ۵) ایجاد ارتباط بین ورزش قهرمانی و ورزش همگانی و بهره‌بردن از ظرفیت‌های انگیزشی ورزش قهرمانی در ایجاد روحیه و فرهنگ ورزش همگانی در بین جوانان و نوجوانان.
- ۶) تشکیل شورایی متشکل از متخصصان، اساتید دانشگاه، کارشناسان، پیشکسوتان و قهرمانان جهت بهره‌مندی از علم روز دنیا و ایجاد پلی ارتباطی میان مردم و مسئولان.
- ۷) ایجاد انگیزه و فراهم کردن شرایط و رفع موانع مشارکت بخش خصوصی و نهادهای عمومی جهت سرمایه‌گذاری در ورزش همگانی و رفع مشکلات اقتصادی.

منابع

- اتقیا، ناهید. (۱۳۸۷). "نیازسنجی ورزشی بانوان شاغل در دانشگاه الزهرا و ارائه راهکارهای کاربردی". نشریه علوم حرکتی و ورزش. شماره ۱۱: ۹۷.
- احسانی، محمد؛ صفاری، مرجان؛ امیری، مجتبی و کوزه چیان، هاشم. (۱۳۹۳). "طراحی مدل ورزش همگانی ایران". مطالعات مدیریت ورزشی. ۶(۲۷): ۸۷-۱۰۸.
- آصفی، احمدعلی و اسدی دستجردی، حسن. (۱۳۹۵). "بررسی موانع توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و ارائه راهکارهای کاربردی توسعه آن". نشریه مدیریت ورزشی. ۸(۶): ۸۲۳-۸۴۴.
- آفرینش خاکی، اکبر؛ تندنویس، فریدون و مظفری، سید امیراحمد. (۱۳۸۴). "مقایسه دیدگاه های اعضای هیأت علمی، مربیان، ورزشکاران و مدیران در مورد چگونگی توسعه ورزش همگانی". نشریه علوم حرکتی و ورزش. جلد اول، شماره ۵: ۲۲.
- تقوی تکیار، سید امید. (۱۳۸۵). "بررسی وضعیت اجتماعی - اقتصادی و انگیزه های شرکت کنندگان در ورزش های همگانی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

- جوادی پور، محمد. (۱۳۹۰). "برنامه راهبردی فدراسیون ورزش های همگانی". طرح پژوهشی، فدراسیون ورزش های همگانی.
- جوادی پور، محمد و سمیع نیا، مونا. (۱۳۹۲). "تبیین موقعیت راهبردی و ارائه استراتژی توسعه ورزش همگانی در ایران". پژوهش های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. ۳(۵): ۱۵-۲۸.
- جوادی پور، محمد و سمیع نیا، مونا. (۱۳۹۲). "ورزش همگانی در ایران و تدوین چشم انداز، راهبرد و برنامه های آینده". پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۵(۳): ۲۱-۳۰.
- حیدری چروده، مجید. (۱۳۸۹). "بررسی میزان و علل مشارکت شهروندان تهرانی در ورزش های همگانی". چکیده مقالات برگزیده دومین همایش ملی توسعه ورزش شهروندی.
- خداداد کاشی، فرهاد و کریم نیا، الهام. (۱۳۹۵). "بررسی تاثیر عامل های اقتصادی و اجتماعی بر موفقیت ورزشی کشورها در بازی های المپیک (۲۰۱۲-۱۹۹۶)". فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی. ۷(۲۵): ۴۳-۶۷.
- سازمان تربیت بدنی ج.ا.ایران. (۱۳۸۱). مطالعات تفصیلی توسعه ورزش همگانی و تفریحی. سازمان تربیت بدنی ج.ا.ایران، مرور اول.
- سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۱). طرح اجمالی سند راهبرد توسعه نظام جامع تربیت بدنی و ورزش. سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، شرکت راد سامانه آذر.
- شعبانی، عباس؛ غفوری، فرزاد و هنری، حبیب. (۱۳۹۳). "مطالعه سیاست ها و راهبردهای ورزش همگانی نظام جامع توسعه ورزش کشور". مجله مدیریت ورزشی دانشگاه تهران. ۶(۲۷): ۱۵-۳۰.
- صادقی، جمشید. (۱۳۸۴). "توسعه سیاسی و نقش رسانه ها(صدا و سیما) در آن". پایان نامه کارشناسی، دانشکده صدا و سیما.
- طریقت منفرد، محمدحسن. (۱۳۸۷). "اصول و مبانی سیاست ملی سلامت (مطالعه تطبیقی)". دفتر مطالعات مرکز پژوهش های مجلس.
- غفاریان، وفا و علی احمدی، علیرضا. (۱۳۸۱). "بررسی علل شکست برنامه ریزی های راهبردک و ارائه دو یافته جدید". مدرس علوم انسانی. ۳: ۸۳-۹۷.

- قالیباف، محمدباقر. (۱۳۸۹). نگاه راهبردی به نظام ورزش در کشور. انتشارات نگارستان حامد، تهران: موسسه اندیشه و عمل پویا
- قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰).
- قره، محمد. (۱۳۸۳)، "وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان". پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
- کشکر، سارا و سلیمانی، مجتبی. (۱۳۹۱). "نقش برنامه خصوصی سازی بر توسعه ورزش های همگانی از دیدگاه کارشناسان". نشریه پژوهش های کاربردی مدیریت و علوم زیستی در ورزش. ۱(۲): ۹۹-۱۰۴.
- کاپالن، نورتون. (۱۳۸۴). "نقشه راهبرد تبدیل دارایی های نامشهود به پیامدهای مشهود". اکبری، سلطانی و ملکی. چاپ اول، تهران: انتشارات آریانا
- کشاورز، لقمان. (۱۳۹۰). "تدوین مناظر و نقشه راهبرد کمیته ملی المپیک با کارت امتیازی متوازن". رساله دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور تهران، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- گودرزی، محمود؛ اسلامی، ایوب و علیدوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۴). "شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش همگانی از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران". پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. شماره ۳(۱۵)، ۱۱-۲۷.
- مجدآرا، علی. (۱۳۹۶). "ورزش یک موضوع خانوادگی". نشریه علمی، تحقیقی و خبری فدراسیون ورزش همگانی. ۶(۸): ۳۲۱-۳۲۸.
- ملک اخلاق، اسماعیل؛ تسلیمی، زهرا؛ ریحانی، محمد و سلیمی، نسترن. (۱۳۹۶). "شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر اجرای راهبردهای سازمانی در سازمان های ورزشی دولتی ایران". دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش. ۶(۱): ۱-۱۸.
- نجفی حقی، جواد. (۱۳۸۳). "روش ارزیابی متوازن؛ رویکرد جدید راهبرد مدیریت". نشریه تدبیر. شماره ۱۵۱: ۳۳-۳۷.

- Andreff, W. (۲۰۰۷). **"The correlation between economic underdevelopment and sport"**. European Sport Management Quarterly, ۴(۱): ۲۵۱-۲۷۹.
- Barendse, P. (۲۰۱۷). **"National Program, Knowledge and Innovation in sport and Physical Activity in the Netherlands"**. Second International Sport for all Conference, Tehran.
- Bergsgard, N. A., Houlihan, B., Mangset, P., Nodland, S. I. (۲۰۰۷). **"Sport policy: A comparative analysis of stability and change"**. Oxford: Butterworth-Heinemann, p: ۲۰۱.
- Bull FC et al. (۲۰۰۴). **"Developments in National Physical Activity Policy: an International Review and Recommendations towards Better Practice"**. JSci Med Sport, ۱(۷).
- Community Sports Committee of the Sports Commission. (۲۰۰۹). **"Consultancy Study on Sport for All Participation Patterns of Hong Kong People in Physical Activities"**. Submitted by The Chinese University of Hong Kong Department of Sports Science & Physical Education.
- Dhonde, B. M. , Patil, V. N. (۲۰۱۲). **"Role of Mass Media in Progress of Physical education and Sports"**. Indian Streams Research Journal ۲. (۸)
- Dousti M., Goodarzi, M. Asadi H. Khabiri M. (۲۰۱۳). **"Sport policy in Iran"**. International Journal of Sport Policy and Politics. Volume ۵, Issue ۱, ۱۵۱-۱۵۸.
- Downard, P., Rasciute, S. (۲۰۱۰). **"The Relative Demands for Sports and Leisure in England"**. European Sport Management Quarterly, ۱۰(۲): ۱۸۹-۲۱۴.
- Foldesi, G. S. (۱۹۹۱). **"From Mass Sport to the "Sport for All" Movement in the "Socialist" Countries in Eastern Europe"**. International Review for the Sociology of Sport. Volume: ۲۶ issue: ۴, page(s): ۲۳۹-۲۵۷ t
- Guba, E. G. & Lincoln, Y. S. (۱۹۹۴). **Competing Paradigms in Qualitative Rresearch**. Handbook of Qualitative Research. London: Sage.
- Katwala S. (۲۰۰۰). **Democratizing Global Sport**. London: The Foreign Policy Centre.
- Mansfield, L., Piggin, J. (۲۰۱۶). **"Sport, physical activity and public health"**, International Journal of Sport Policy and Politics, ۸(۴): ۵۳۳-۵۳۷.
- Sallis, JF and et al. (۱۹۹۸). **"Environmental and Policy Interventions to Promote Physical Activity"**, Am J Prev Med, ۱۵(۴).Oaks, CA: Sage Publications Inc.
- Sargit S. (۲۰۱۷). **"Sport Malaysia: Policies and development strategies for the Populace"**. Second International Sport for all Conference, Tehran.
- Schopper D., JD, Lormand, and R. Waxweiler eds. (۲۰۰۶). **"Developing Policies to Prevent Injuries and Violence: Guidelines for Policy-makers and Planners, Geneva: World Health Organization"**.

- Wicker, P. Breuer, C. Pawlowski . T. (۲۰۰۹). "Promoting Sport for All to Age specific Target Groups: the Impact of Sport Infrastructure", European Sport Management Quarterly, ۹(۲):۱۰۳-۱۱۸.

Strategies and Programs for Development of Sport for All in Iran

Mohammad Javadi Pour

Ph.D., Associate Professor, Curriculum Studies and Instruction Department, University of Tehran, Tehran, Iran

Somayyeh Rahbari

Ph.D. Student in Sport Management, Physical Education and Sport Sciences Department, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: ۲۳ Sep. ۲۰۱۷

Accepted: ۲۷ Jan. ۲۰۱۸

The paper is to study the strategies and programs for development of sport for all in Iran. Research method in terms of the purpose was practical and in view of the nature of the research data was exploratory mixed design. For qualitative section, ۱۶ executives and experts of sport for all were considered as statistical population and based on the targeted sampling were collected. Data were gathered through interviews and coded and analyzed by Streubert and Carpenter's method (۲۰۱۱). The statistical populations in the quantitative section were the sport for all federation managers, the heads of the federation committees, the heads of federation-sponsored associations and the heads of the sport for all departments of

the provinces (۲۰۰ people). Samples were selected randomly. The researcher-made questionnaire was a tool for collecting research data at this stage. The items of this questionnaire were extracted from the systematic interviews with the managers and executives of sport for all. The face and content validity of the questionnaire was approved by the professors, structural validity was confirmed by exploratory factor analysis and its reliability was calculated by Cronbach's alpha ($\alpha = ۰,۸۳$). Data analysis in this section was done by SPSS software with Wilcoxon Test. In qualitative section the results showed that the strategies and programs for the development of sport for all in Iran including organizational strategies, create culture, economic solutions and based on research. According to the results in the quantitative section there was significant difference between the current and desired status in methods of providing solutions and strategies programs for the development of sport for all in Iran.

Keywords: Sport for All, Strategy, Sports Development Program and Iran